



فروپاشی ساسانیان

از نگاهی دیگر

(نقش مزدکیان در براندازی حکومت ساسانی)

سورنا فیروزی

(کارشناس ارشد ژنتیک و کارشناس ارشد باستان شناسی)





www.ashyanehketab.com

تلفن: 88821595

info@ashyanehketab.com

دورنگار: 88834210

سر شناسه: فیروزی، سورنا.

عنوان و نام پدیدآور: فروپاشی ساسانیان از نگاهی دیگر: نقش مزدکیان در براندازی حکومت ساسانی / سورنا فیروزی.

مشخصات نشر: تهران: آشپانه کتاب، 1391.

مشخصات ظاهری: 80 ص.: مصور، جدول.

شابک: 978-964-6070-84-4

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: ایران -- تاریخ -- ساسانیان، 226-651م

رده بندی کنگره: 1391 4ف9/4 DSR403

رده بندی دیویی: 955/03

شماره کتابشناسی ملی: 2983874

فروپاشی ساسانیان از نگاهی دیگر

(نقش مزدکیان در براندازی حکومت ساسانی).

پژوهشی از: سورنا فیروزی.

چاپ یکم: تهران، 1391. تیراژ: 500 نسخه.

4000 تومان

مرکز پخش: موسسه گسترش فرهنگ و مطالعات 77350598

فهرست مطالب

7	 سخن نخست
8	 توان‌یابی حاکمیت دینی
13	 برهه‌ای از آزاداندیشی
19	 بازگشت قدرت مذهبی
25	 افول قدرت مذهبی
29	 زمان میان پایان فرمانروایی نرسی تا برآمدن مزدک به روزگار قباد
35	 جنبش مزدک
43	 بازسازی نابسامانی‌ها
47	 صدور ناخودآگاه اندیشه
51	 آغاز دسیسه
65	 فروپاشی
71	 پیوست 1:
75	 پیوست 2:
76	 کتاب نامه:

سخن نخست:

تاکنون دلایل گوناگونی پیرامون فروپاشی ایران ساسانی گفته شده است. ستم پیشگی فرمانروایان، زورگویی کارگزاران، قوانین خسته کننده دینی، پوچی باورمندی و جهان بینی مردمان ایرانی و آشفته بودن سامانه اداری و فرمانروایی در روزگار پایانی ساسانی از مهمترین این دلایل تا به امروز بوده اند. در این نگاشته و در دو بخش، با نگاهی نوین، به بررسی لایه به لایه دوران گوناگون ساسانی پرداخته می شود تا آنچه به چشم نیامده است، روشن شود.

خوانندگان می توانند نگرش خود درباره نوشته های این کتاب را با نویسنده در میان بگذارند.

سورنا فیروزی

Sorena.firouzi@gmail.com

توان‌یابی حاکمیت دینی:

با روی کار آمدن «اردشیر» و کنار رفتن دولت «اردوان پنجم» پارتی(به هنگامی که دیگر مجلس مهستان کشور در کار نبود)، درونش(ورود) اندیشه مذهبی به ساختار دیوانی ایران آغاز شد. با نگاهی به کردار و گفتار اردشیر بابکان(بنیانگذار دودمان ساسانی)، و سنجش آن با شیوه نگرش اردوان پارتی، می‌توان به چگونگی فضای ذهنی اردشیر پی برد. اردوان، خود را تنها، «فرمانروای ایران» می‌خواند؛ اما اردشیر، در کنار آن، خود را از تبار ایزدان نیز می‌دانست.¹

در نگرش وی، اینکه همراهی «دین» و «دولت» برای بر جای ماندن یک حاکمیت سیاسی نیاز است، به چشم می‌خورد.² نخستین کار اردشیر بر ضد دولت پارت ها، برپایی آتشکده‌ای در شهر «اردشیرخوره» بود،³ که ماهیت ذهنی وی را روشن‌تر می‌سازد. افزون بر آن، «به خواست خدا دانستن» دستیابی به شماری از سرزمین‌های پیرامون شهر استخر و بازگفت آن به

¹ - کتیبه های پهلوی اشکانی (پارتی)، دفتر دوم، 30. راهنمای کتیبه های ایرانی میانه، 10 و 19.

² - شاهنامه فردوسی، بخش سپردن اردشیر کار پادشاهی را به شاپور. مروج الذهب، ج 1، 243. تاریخ گزیده، 104.

³ - تاریخ یعقوبی، ج 1، 194.

فروپاشی ساسانیان از نگاهی دیگر

اردوان،⁴ و همچنین درونمایه سخنان وی به عنوان نخستین گفتار سیاسی‌اش، گویای موارد یاد شده است:

«خدا را ستایش می‌کنیم که ... کشور را منقاد ما کرد

و بندگان را به اطاعت ما کشانید».⁵

در این میان، از نقش «تَنَسَر»⁶ یا به نامی دیگر «اَبَرَسام»⁷ یا «سام»⁸ به عنوان وزیر دولت او، و «ماهان» یا «هامان»، موبد موبدان وی⁹ نیز نباید چشم پوشید. تبلیغات نوشتاری و گفتاری وزیر یاد شده نزد فرمانداران حاکمیت پیشین،¹⁰ توانست گرایش روان‌شناختی بزرگان و نیز گروه‌هایی از ملت را به سوی اردشیر بگرداند.

⁴ - تاریخ الرسل والملوک، 106 و 107. تاریخ بلعمی، 776.

⁵ - مروج الذهب، همان، 238.

⁶ - التنبيه والاشراف، 92 و 93.

⁷ - تاریخ الرسل والملوک، 105.

⁸ - تاریخ بلعمی، 774.

⁹ - همان.

¹⁰ - التنبيه والاشراف، 92.



چهره اردشیر بابکان بر روی سکه رسمی خود با تاج اردوان

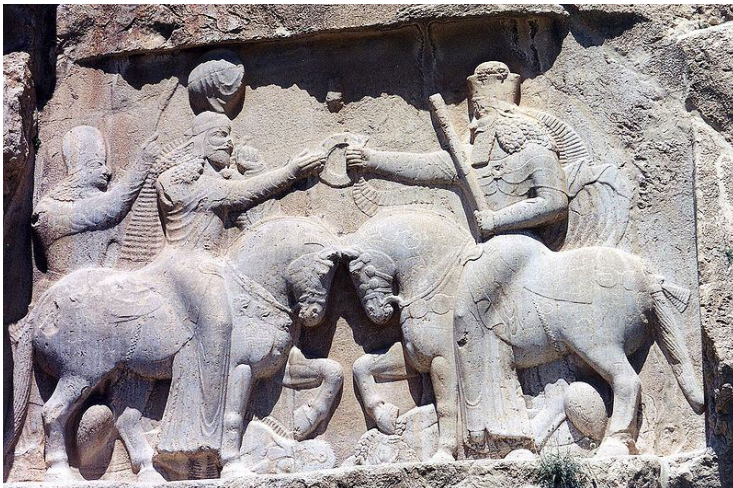
بنابراین تا بدین جا، با مردی روبرو هستیم که در نگاه نخست، تنها نگرشی دینی را در سر می‌پرواند. اما در کارنامه باورهای اردشیر، مواردی بر وجود ذهنیتی میهن‌پرستانه نیز به چشم می‌خورند. توجه به برخورداری جوانان کشور از آموزش و پرورش،¹¹ استخدام جوانان تندرست در ارتش که باعث اشتغال آنان شده بود (آنچه که پس از زمان فرمانروایی پارسیان انشان مربوط به نیاکان کوروش بزرگ که جزئیات آن در کورش نامه آمده است، دیده نشد)،¹² پشتیبانی از نویسندگان، مبارزه با خویشاوندسالاری و رشوه‌گیری اداری، برپا

¹¹ - تاریخ گزیده، 104. شاهنامه فردوسی، بخش تدبیر ساختن اردشیر در کار پادشاهی.

¹² - درباره سامانه پارسیان انشان، نویسنده در کتاب ریشه های دموکراسی و مجلس (نشر فروهر، 91) توضیح داده است.

فروپاشی ساسانیان از نگاهی دیگر

ساختن سامانه گردآوری گزارش چگونگی زندگی کشاورزان و پرداخت کمک های بی بازگشت برای جلوگیری از رها شدن زمین ها از سوی آنان و خانه سازی برای بی خانگان،¹³ از نمونه های اثبات کننده وجود این نگرش در افق ذهن اردشیر است.



نقش رستم: اردشیر بابکان در حال گرفتن حلقه پیمان و قدرت از نماد اورمزد (آفریدگار نیکی ها در روزگار ایرانیان عصر ساسانی). ماهان موبد در پشت سر وی دیده می شود. در زیر سم اسبان نیز، اهرمن (سوی راست) و اردوان پنجم پارتی (سوی چپ)، جای دارند.

¹³ - شاهنامه فردوسی، همان.

فروپاشی ساسانیان از نگاهی دیگر



نقش رجب: نقش دو فرد در پشت سر اردشیر بابکان. به احتمال فراوان، فرد بدون ریش (سنت روحانیان زرتشتی)، موید زمان، ماهان و شخص دوم، تنسر، وزیر نیرومند روزگار اردشیر می باشند.



چهره اردوان پنجم (فرد چپ) که ذهنیتی غیر مذهبی داشت.

برهه‌ای از آزاداندیشی:

با روی کار آمدن «شاپور» و نگاه به جهان‌بینی و کردار او، می‌توان دریافت که وارون بر زندگانی اجتماعی اردشیر، فضای خانوادگی او، جوّ آنچنان دینی نداشته است. شاپور، پسر بنیانگذار سامانه نوین، خود چندان پایبندی به باورهای مذهبی ندارد. در جامعه زیر فرمان او، شخصی چون «مانی» (زاده به سال 233م در روستای «مردینو»)¹⁴ توانست اندیشه‌های دنیاگیز خود را ترویج نماید، تا آنجا که خود شاپور نیز به وی گرایش یافت.¹⁵

در یک نگاه کلی به اثرات اندیشه‌های مانی، تلاش برای پاک نمودن پیکر آدمی (که از دید او اهریمنی است) و آزاد ساختن روان اورمزدی با بن‌مایه روشنایی، که با پذیرش دست کشیدن از خوشی‌های زندگانی زمینی و سختی کشیدن و سرانجام مرگ پیکر رخ می‌دهد،¹⁶ از باورهای او بودند که از راه رایج سازی آن‌ها، گونه‌ای از باورهای ضد مادی‌گرایی را در میان گروهی از مردم ایران¹⁷ و

¹⁴ - آثارالباقیه، 269 و 266.

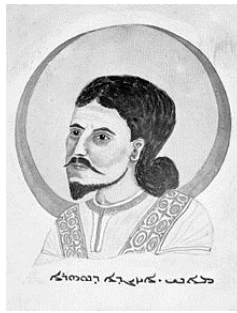
¹⁵ - تاریخ یعقوبی، همان، 196.

¹⁶ - مختصر تاریخ الدول، 101 و 102. تاریخ یعقوبی، همان، 195. نیز بنگرید به استوره آفرینش در آیین مانی، 32.

¹⁷ - تاریخ بلعمی، 792.

فروپاشی ساسانیان از نگاهی دیگر

آنیران¹⁸ رواج داد. حرام دانستن شراب، بایستگی پرداخت زکات، گرفتن هفت روز روزه در ماه، گزاردن چهار بار نماز در شبانه روز (در آیین زرتشتی 5 بار)، که هر بار دارای 12 سجده بوده است، برپا داشتن رسم شست و شو با آب و یا خاک پیش از نماز، باورمندی به دادن صدقه، و برپا داشتن گاه شمار هفته‌محور (یکی از کهن‌ترین نشانه‌های مستند بهره‌گیری از نماد هفته در گاه شماری) همگی از ویژگی‌های آیین «مانی‌گرایی» به شمار می‌آمد.¹⁹



تصویری متأخر از مانی در یک نوشته مانی‌گرایی

¹⁸ - آثارالباقیه، 270. تاریخ گردیزی، 68.

¹⁹ - نقل در ایران در زمان ساسانیان، 142.



پیکره شاپور یکم در غاری در نزدیکی بیشاپور، که احتمالاً گور دخمه وی نیز بوده است.

مانی نخستین فرد ملموس و مستند تاریخی است که باورمند به وحی و پیامبری خویش بوده است. این باورها را می‌توان در گزارش‌های بیرونی دید.²⁰ گرچه با دیدن پیروزی منطق موبد زرتشتی (که در اینجا می‌توانسته همان

²⁰ - آثار الباقیه، 266 - 268.

«کرتیر» بوده باشد) در یک گفت و گو²¹ بر مانی، سرانجام شاپور از وی روی برگرداند²² و او را تبعید کرد.²³ اما نگرش غیر دینی فرمانروای یادشده، تا پایان روزگار او، اجازه نفوذ سیاسی به روحانیان را نداد. چنانکه شاگردان مانی تا مدت‌ها، به دور از پیگرد در ایران می‌زیستند.²⁴



شاپور یکم در نمایشی که وی را در اوج قدرت و شوکت ایرانیان در برابر روم نشان می‌دهد.

²¹ - تاریخ یعقوبی، همان، 197. شاهنامه فردوسی، اشتباها در بخش شاپور ذوالاکتاف.

²² - تاریخ یعقوبی، همان، 197. شاهنامه ثعالبی، 238 و 239. مروج الذهب، همان، 243.

²³ - آثارالباقیه، 270.

²⁴ - آثارالباقیه، 270. تاریخ یعقوبی، همان، 197.



نقش رجب؛ درباریان شاپور یکم در پشت وی.

این درباریان همان افرادی بوده اند که نام هایشان در سنگ نبشته کعبه زرتشت آمده و در ماجرای مانی و تبعید وی، نقش داشته اند.

فروپاشی ساسانیان از نگاهی دیگر

بازگشت قدرت مذهبی:

در اینجا نکته‌ای به چشم می‌خورد، و آن قدرت‌گیری اندکاندک نام «کرتیر» در سنگ‌نبشته‌ها یا همان «موبد» نوشته شده در نوشته‌های کلاسیک است که این مطلب، از ترتیب درجه‌های داده شده به این فرد در گذر زمان (از هیریدی در دوران شاپور یکم به موبدی نخست کشور در زمان هرمزد یکم، بهرام یکم و بهرام دوم) نیز دیده می‌شود.²⁵ با افزایش نفوذ او و دیگر روحانیان در کارهای سیاسی، کرتیر توانست تا همپا با فرمانروای ساسانی، از گفتار خود سنگ‌نبشته بسازد. او نخستین فرد ملموس تاریخی است که به سبک باورهای امروزی، مرگ آیینی (معراج)، بهشت و جهنم، زندگی پس از مرگ و ویژگی‌های آن‌ها را می‌شناساند. به دور از آگاهی پیرامون شرایط نوین کشور، شاگردان مانی، پیشوای خود را از هندوستان (تبعیدگاهش) به ایران فراخواندند و به او، نوید فضای تبلیغاتی تازه‌ای را دادند.²⁶

با آمدن مانی به استان پارس، شهرت وی دگر بار بالا گرفت، تا آنکه فرمانروای روزگار «بهرام یکم» (احتمالا به نیرنگ کرتیر) خود را شیفته اندیشه‌های مانی

²⁵ - کتیبه های پهلوی اشکانی، 44. سنگ نبشته های کرتیر، 56، 69، 70-72، 80، 86-89، 105-112، 91، 101.

²⁶ - تاریخ یعقوبی، همان، 197.

جلوه داد و او را به بارگاه فراخواند. او وارون بر شاپور یکم، با برگزاری یک گفت و گوی تشریفاتی میان موبد(کرتیر) و مانی²⁷ که در «بیشاپور» برگزار شد،²⁸ پذیرش سخن مانی را مشروط بر خوردن ارزیر(قلع) از سوی موبد و مانی (با پیشگامی مانی!) دانست، که سرانجام با خودداری مانی²⁹ سخنانش را بی برهان و ویرانگر جهان خواندند.³⁰ از این رو، وی به زندان افتاد³¹ و به دو گزارش، یکی اینکه وی به دور از آگاهی فرمانروا(احتمالا به فرمان کرتیر) در همان شب پوست کنده شد،³² و دومی به گفته «جبرائیل بن نوح نصرانی»، در پی بسته شدن درازمدت به بند، جان داد و سپس سرش را بردند و پیکرش را در گذرگاه جای دادند،³³ که این گذرگاه در «گندی شاپور» بود.³⁴ در پی مرگ

²⁷ - تاریخ یعقوبی، همان. مروج الذهب، همان، 245.

²⁸ - التنبيه و الاشراف، 94.

²⁹ - تاریخ یعقوبی، همان.

³⁰ - شاهنامه فردوسی، همان. آثارالباقیه، 269.

³¹ - تاریخ یعقوبی، همان. تاریخ بلعمی، 792. آثارالباقیه، 270.

³² - تاریخ یعقوبی، همان.

³³ - آثارالباقیه، 270.

³⁴ - تاریخ بلعمی، همان. مجمل التواریخ و القصص، 65. تاریخ گردیزی، 69.

فروپاشی ساسانیان از نگاهی دیگر

مانی، گروه بسیاری از پیروان و هم اندیشان او نیز کشته شدند³⁵ که به گونه روشن، به اشاره کرتیر روی داده است.



چهره کرتیر در برابر نبشته اش در نقش رجب

³⁵ - تاریخ بلعمی، همان. تاریخ یعقوبی، همان، 197 و 198، مروج الذهب، همان، 245، التنبيه والاشراف، همان.



درباریان بهرام دوم و همسر وی (شخص دوم از سوی چپ). کرتیر در این نقش (شخص چهارم از سوی چپ) نیز دیده می شود.

فروپاشی ساسانیان از نگاهی دیگر



چهره بهرام دوم و همسر و فرزندش. شاید نشانیدن نقش شهبانو بر روی سکه ها و حضور وی در دربار و در کنار دیگر بزرگان، گونه ای مخالفت با باورهای ضد زن مانعی بوده باشد.



کرتیر (سوی راست) در روزگار پایانی زندگی

افول قدرت مذهبی:

با برپایی حاکمیت دینی، تمامی دارایی‌ها و هزینه کارهای مذهبی و اداره کارها در دست گروهی از پیرامونیان دربار افتاد.³⁶ به روزگار «بهرام دوم»، آشفستگی زیادی رواج یافت. مرگ بینوایان، ویرانی آبادی‌ها، کاسته شدن خزانه کشوری و ... چنان فشاری بر کشور آورد که ندای دادخواهی ملت ایران بلند شد.³⁷ بخشی از این هزینه‌تراشی‌ها را می‌توان از میزان هزینه‌های گزارش شده کرتیر در برپایی سازه‌های دلخواه خود در ایران و متصرفات رومی شاپور یکم دید. در کنار آن، سرکوب دگراندیشان از سوی او نیز که در سنگ‌نبشته‌های وی آمده، نقش زیادی در ناخشنودی‌های جاری می‌توانسته داشته باشد.³⁸

در پی این رخداد بود که شخص شاه(بهرام دوم)، هراسان شد و به پیشنهاد همین موبدان موبد(کرتیر)، اصلاحاتی را انجام داد که اوضاع نیز تا اندازه‌ای بهبود یافت.³⁹ اما سختی‌های زندگانی مردم، پس از هفده سال شاهی بهرام

³⁶- مروج الذهب، همان، 246.

³⁷- مروج الذهب، همان. تاریخ گردیزی، همان.

³⁸- سنگ نبشته‌های کرتیر موبد موبدان، درون مایه نوشته های وی.

³⁹- مروج الذهب، همان.

دوم، دیگر چندان پذیرفتنی نبود و او تا پایان، منفور ملت بود.⁴⁰ ازین رو، دگرانديشان با پشتيبانی از «نرسی» یکی از پسران شاپور یکم، از سوی ارمنستان به تیسپون لشگر کشیدند و با برکنار کردن بهرام سوم (پسر بهرام دوم)، در ماه چهارم فرمانروایی‌اش که مورد نفرت ملت نیز بود،⁴¹ به حاکمیت دستگاه روحانیان (زیر نفوذ کرتیر) پایان دادند و دوره‌ای را برپا ساختند که از دیدگاه مذهبی، کاملاً با روزگار سه بهرام، تفاوت داشت.

تا پیش از روی کار آمدن نرسی و هم‌پیمانش، در نقش‌برجسته‌ها، این نقش «اورمزد» است که حلقهٔ پیمان و قدرت‌بخشی را به فرمانروا می‌بخشید، اما در نقش‌های نرسه، این رخداد به دست نقش «آناهیتا» روی می‌دهد. ایزدی مادینه که به گواهی بندهای گوناگون از «آبان‌یشت»، یکی از خویشکاری‌های وی، بخشش قدرت، پیروزی و کامیابی در یک رخداد است.⁴² اینکه این کردار، به مفهوم بازگشتی به کیش کهن (مهرپرستی که در آن «آناهیتا، مادر مهر» نقشی محوری داشته است) بوده و یا اینکه معنایی دیگر را دارا می‌باشد، خود گفتمانی دیگر است. اما پایان کار نرسی خیلی زود فرا رسید. شکست در نبرد دوم از نیروهای «دیوکلتیانوس» رومی، او را دچار سرخوردگی و کناره‌گیری

⁴⁰ - تاریخ گردیزی، همان.

⁴¹ - تاریخ گردیزی، 69-70.

⁴² - اوستا، ج 1، آبان یشت.

کرد. از نرسی گفتار چندانی در اسناد کلاسیک ایرانی و اسلامی نیست⁴³ که علت آن را اکنون می‌توان، همان ستیزه‌گری باورهای وی در برابر روحانیان دانست. روحانیانی که دوباره به روزگار فرزند وی قدرت می‌گیرند، اسناد را نابود می‌کنند و تنها اندک مدارکی چون تاریخ گردیزی، سخن از مردم‌داری نرسی و گرایش ملت به او به میان می‌آورند.⁴⁴ شاهنامه فردوسی نیز او را مردی با رای و نیک گزارش کرده است که دچار سرانجامی شوم شد.⁴⁵

⁴³ - نک: به شگفت‌زدگی نویسندهٔ مجمل التواریخ و القصص، 66، و نبود جزئیات فرمانروایی او در دیگر اسناد.

⁴⁴ - تاریخ گردیزی، 70.

⁴⁵ - شاهنامه فردوسی، بخش پادشاهی نرسی بهرام.



نرسی و دربار او در نمایش حلقه پیمان گیری از ایزدبانوی آناهیتا. این گروه، کاملاً مخالف شیوه
مذهب محورانه کرتیر و پشتیبانان وی بودند.

زمان میان پایان فرمانروایی نرسی تا برآمدن مزدک به روزگار قباد:

در این بازه زمانی (اواخر سده سوم تا میانه های سده ششم م.)، سیاست‌های دربار ایران گاه بسیار دینی می‌شده، و گاهی نیز همراه با نرمش و به دور از ملاحظات دین‌محوری بوده است. «شاپور دوم» و برادرش «اردشیر دوم» به علت برخورد با دولت روم تازه مسیحی شده، نسبت به مسیحیان سخت گرفتند. در برابر، «شاپور سوم» و «بهرام چهارم» سیاستی میانه داشتند و «یزدگرد یکم» و «بهرام پنجم» (گور)، رفتاری بسیار دوستانه را با ایشان در پیش گرفتند. یزدگرد یکم کار را تا بدان جا رساند که از سوی مسیحیان، نیکوکار و از سوی روحانیان دین رسمی کشور، بزهکار نام گرفت. سپس «یزدگرد دوم»، وارون بر پدر و پدربزرگش، نسبت به مسیحیان سختگیر شد. در این میان، گاه میان دربار و دستگاه روحانیان نیز، درگیری‌هایی رخ می‌داد. اردشیر دوم، بسیاری از آنان را کشت،⁴⁶ و شاپور سوم، بهرام چهارم و یزدگرد یکم نیز که با دگراندیشان مذهبی نرم و با اندیشه های روحانیان، مخالف بودند، هر یک دچار سرنوشت هولناک و مرگ‌های مشکوکی شدند که دست‌های پشت پرده روحانیان را نشان می‌دهد. اردشیر دوم، مجبور به کناره گیری شد، شاپور سوم در پی فرو افتادن چوب سراپرده و بهرام چهارم در پی برخورد یک تیر ناشناس و یزدگرد یکم با لگد اسبی سفید و افسانه ای (!) در پای یک چشمه،

⁴⁶ - تاریخ، بلعمی 807، تاریخ یعقوبی، همان، 199.

فروپاشی ساسانیان از نگاهی دیگر

درگذشتند. بهرام گور نیز سرنوشتی شگفت‌انگیزتر یافت و در روز روشن، ناپدید شد و جسدش نیز گم گشت.⁴⁷

به هر روی، همین دوران قدرت‌گیری نیمه‌کامل روحانیان با روی کار آمدن «پیروز» و «بلاش» نیز چندان پایدار نبود، و با روی کار آمدن «قباد»، فرصتی نوین برای پیدایش اندیشه‌ای نو پدید آمد.



سردیس شاپور دوم (بر پایه تاج
وی) که با نابود ساختن یولیانوس
و برکشیدن یویانوس مسیحی و
پیرامونیش در روم، پایه براندازی
کیش مهر از جهان غربی و
گسترش مسیحیت شد.

⁴⁷ - تاریخ الرسل و الملوك، 134 و 135، 137، تاریخ بلعمی، 806 و 807، 831. مروج الذهب، همان، 255 و 256، تاریخ یعقوبی، همان، 199 و 200.

فروپاشی ساسانیان از نگاهی دیگر



چهره اردشیر دوم (برپایه تاج وی)،
ستیز وی با روحانیان و پشتیبانی
از ملت ایران، پیامدی چون
برکناری و حذف وی از قدرت را
در پی داشت.



چهره یزدگرد یکم بر روی سکه اش.
مخالفت وی با روحانیان، مرگ
مشکوک وی را در پی داشت.

فروپاشی ساسانیان از نگاهی دیگر



چهره بهرام چهارم بر روی
سکه اش. مخالفت او با روحانیان و
مهربانی اش با دگر اندیشان
مذهبی، موجب قتل رازآمیز وی
نیز شد.



چهره یزگرد دوم که نسبت به
دگر اندیشان سخت گیری کرد.

فروپاشی ساسانیان از نگاهی دیگر



چهره بهرام گور (پنجم). کم بها
دادن به روحانیان و آزاد گذاردن
دگر اندیشان، وی را نیز دچار
سرنوشت گنگ و مبهم نمود.

جنبش مزدک:

برآیند اسناد کلاسیک، پیرامون هویت «مزدک»، ریشه و چگونگی اندیشه‌های وی چنین نوشته‌اند: موبد موبدان روزگار یا تنها یک اندیشمند زایش یافته در شهر «نسا»⁴⁸ یا «مدریه»⁴⁹ که زیر تأثیرات «بوندوس» مانوی، اندیشه‌های خود را با درون مایه‌های اشتراکی بودن زنان و دارایی‌ها رایج ساخت. «ابن خلدون» او را «اباحی» یا اشتراکی دانسته که باورمند به وابستگی همه چیز به خدا و در نتیجه بخش بندی آن میان مردمان به میزان کاملاً برابر بود.⁵⁰ ابن بلخی نیز چنین نظری را درباره او نوشته است.⁵¹ بیرونی باورهای مزدک را کاملاً در برابر اندیشه‌های زرتشت شناسانده و اشتراکی‌خواهی وی درباره زنان و دارایی‌ها را مستند نموده است.⁵² ریشه این نوع نگرش را در خشکسالی پدید آمده بدوران پیروز دانسته‌اند.⁵³ مستوفی نیز به اشتراک‌گرایی مزدک درباره

⁴⁸ - آثار الباقیه، 271.

⁴⁹ - تاریخ الرسل و الملوك، 174.

⁵⁰ - تاریخ ابن خلدون، ج 2، 176.

⁵¹ - فارس نامه، 68.

⁵² - آثار الباقیه، همان.

⁵³ - غر اخبار ملوک الفرس، 596 و 597. شاهنامه ثعالبی، 286.

زنان اشاره کرده است.⁵⁴ و ثعالبی ریشه این باور را با آوردن گفته مزدک پیرامون «شر دانستن غیرت بر زن و ناموس» به ما نشان داده است.⁵⁵ هرچند اندیشه های مزدک برآمده از آموزه های استاد وی «بوندس»⁵⁶ یا به احتمال فراوان همان «زرادشت پسر خُرّه»⁵⁷ بوده است. ابن ندیم نیز در یک نگاه، منش و باورهای این گروه را شهوت رانی، اشتراک زن و خانواده نگاشته است.⁵⁸ در بن دهش نیز اشتراک مال و زن و فرزند، به عنوان باورهای مزدک روبرو می شویم.⁵⁹ تبری الگوی مزدک را شخص یادشده دانسته و نوشته است که در رویارویی با پیروان مزدک و زرادشت پسر خُرّه، با مانی گرایان نیز برخورد کرده است.⁶⁰ مسئله ای که در کنار نزدیکی های درون مایه های دو مکتب و نیز ریشه های مانی گرا بودن بوندس (زرادشت پسر خُرّه)، از همکاری دو دسته برای دِگَرش (تغییر) ساختارهای جامعه ایران در هنگامه ساسانی آگاهی می دهد. چنانکه «ابوالفداء» نیز از همزمانی مبارزه «خسرو انوشیروان» با

⁵⁴ - تاریخ گزیده، 115.

⁵⁵ - شاهنامه ثعالبی، 288.

⁵⁶ - ایران در زمان ساسانیان، 244. تاریخ جنبش مزدکیان، 239.

⁵⁷ - تاریخ الرسل و الملوك، همان.

⁵⁸ - الفهرست، 611.

⁵⁹ - بن دهش، 141.

⁶⁰ - تاریخ الرسل و الملوك، 175.

پیروان مانی گرای و مزدکی گزارش داده است.⁶¹ زرادشت پسر خُره به روزگار «دیوکلتيانوس» رومی (همزمان با نرسی) می زیست و ملالاس پیرامون مانی گرای او و تبلیغاتش در روم و ایران گفتمان کرده است.⁶² به هر روی، مزدک در سال دهم فرمانروایی «قباد» (496م.)، باورهای خود را به دربار روشن ساخت⁶³ و پیروان فراوانی یافت.⁶⁴

در یک چکیده، کار مزدکیان تا زمان سلطنت دوباره قباد (527م.) (پس از بازپس گیری آن از «جاماسپ» که به یاری بزرگان و روحانیان روی کار آمده بود)، به مدت دوازده سال ادامه یافت و در این بازه، هواداران فراوانی یافتند. برپایی یک نشست گفت و گو میان موبد (هرمزد آفرید و مهرآذر) و مزدک، پیروزی منطق موبد، به زندان افکندن و کشتن مزدک و دستگیری و از میان

⁶¹ - نقل در ایران از زرتشت تا قیام های ایرانی، 162.

⁶² - ایران در زمان ساسانیان، 244. تاریخ جنبش مزدکیان، 239-237.

⁶³ - تاریخ الرسل و الملوك، 167. تاریخ بلعمی، 845.

⁶⁴ - آثار الباقيه، 271. تاریخ بلعمی، 846. فارس نامه، 137. تاریخ گردیزی، 80. مجمل التواریخ و القصص، 95.

برداشتن هشتاد هزار تا صد هزار مزدکی بدست «خسرو یکم» (انوشیروان)،⁶⁵
 رخدادهای سپسین هستند که ما از آن ها آگاهی داریم.



چهره جاماسپ (برادر قباد) که با پشتیبانی بزرگان و روحانیان روی کار آمده بود. نشان ماه و ستاره بر روی سکه، که پیش تر پیدایی یافته بودند و دومی نمادی از آناهیتا بشمار می آید، سپس ها نماد دولت های نوین منطقه شدند.

گریز بسیار بالای مزدکیان به عربستان و به نزد «حارث بن عمرو المعصوب بن حجر» که با نام «آکل المرار» نیز نامور بود، چنان رخ داد که صدای انوشیروان را بلند کرد و دربار ایران، در راستای نیرومندتر ساختن فرمانداری «منذر بن امرالقیس» در حیره ایران شد. گفتنی است که حارث کسی بود که بارها به خاک ایران تاخته و در زمان حاکمیت دوازده ساله مزدکیان در ایران، به نزد مزدک آمده و هوادار وی شده بود. سرانجام نیز از سپاه انوشیروان شکست

⁶⁵ - تاریخ گردیزی، 80 و 84. مجمل التواریخ و القصص، 73 و 95. آفرینش و تاریخ، ج 3، 518. تاریخ غرر السیر، 338-339. شاهنامه فردوسی، بخش داستان مزدک با قباد. شاهنامه ثعالبی، 283-285، 288 و 289.

خورد و به روم گریخت. (رفتن شماری از مزدیکان شمال و مرکز عربستان به روم خاوری، در این برهه می توانسته باشد). در زمان قباد، تبلیغ باورهای مزدک در میان اعراب بالا گرفته بود.⁶⁶ در این میان، بازگشت شماری مزدکی از باورهای خود به زرتشتی گری عصر ساسانی و نیز به زندان افتادن شماری از مزدکیان به دوران انوشیروان،⁶⁷ رویدادهای موازی این هنگامه می باشند. دگرش در ساختار ارتش و بخش بندی آن به چهار پاره، نقش مهمی را در پیروزی ها و سپس سقوط ساسانیان بازی کرد. تا پیش از خسرو انوشیروان، ارتش ایران، زیر فرمان یک سپهبد بود که این بارها سبب به دردر افتادن دولت ایران و رخ دادن یک شکست نظامی از روم در دوران بهرام دوم (به علت حضور بیشینه ارتش در خاور کشور و در نتیجه خالی شدن غرب) و یک آستی نامه ناگزیر با روم در پس پیروزی های فراوان به دوران شاپور دوم (برای رو در رو کردن ارتش با هون های زرد در خاور) شده بود. بخش بندی ارتش به چهار پاره خاور (خراسان و پیرامون آن)، باختر (میانرودان)، آذربایجان و پیرامون آن که دربردارنده شمال ایران نیز می شد و نیز جنوب که بیشتر بر یمن متمرکز بود⁶⁸ منطق این بخش بندی بر آن بود که برای نمونه، در هنگامه رویارویی

⁶⁶- از مزدک تا بعد، 24، 26 و 27. تاریخ الرسل و الملوك، 170 و 171. تاریخ بلعمی، 853.

⁶⁷- تاریخ گردیزی، 80. شاهنامه ثعالبی، 291.

⁶⁸- تاریخ الرسل و الملوك، 175.

فروپاشی ساسانیان از نگاهی دیگر

ارتش ایران با جبهه روم، تنها سپاه باختر و آذربایجان با آن درگیر شوند و سپاه خراسان بر سر جای خود باقی بماند. هنگامی که فرمانروا خود به سوی خاور می رفت و یا آنکه فرمان وی به سپهبد گماشته شده بر سپاه خراسان رسانیده می شد، سپاه خاوری با دشمن درگیر می گشت. مسعودی نیز به این تقسیم بندی اشاره کرده است.⁶⁹ البته نخستین کسی که دست به این کار زد و کردارش پس از او به گونه گذرا فراموش شد، اردشیر بابکان بود.⁷⁰



سکه زرین قباد که خبر از بهبود روزگار در هم آشفته پیشین شاهی وی می دهد.

⁶⁹ -التنبیه و الاشراف، 97.

⁷⁰ - مروج الذهب، همان، 240. تاریخ گردیزی، 65.



خسرو انوشیروان و درباریان او

بازسازی نابسامانی ها:

خسرو انوشیروان، ریشه دست درازی های روحانیان را برانداخت و آسایش شایانی را به ملت ایران بازگرداند. بازگرداندن دارایی های به یغما رفته مردمان و هزینه همگانی کردن آن بخش از دارایی ها که دارندگان ناشناس بودند، زیر پوشش مالی گرفتن زنان بی شوهر و تنگدست، فرزندی که به علت قانون اشتراک زنان به دوران مزدکیان، هویت پدران و در نتیجه دودمانشان ناشناس مانده بود و نابینایان، شوی دادن دختران بی نوا، بازگرداندن همسران ربوده شده به نزد شوهران، برداشت قانون پرداخت مالیات از دوش زنان، افراد نابالغ و بزرگسالان بالای پنجاه سال، اصلاح سامانه گردآوری مالیات برپایه تناسب با درآمد افراد،⁷¹ به زیر کشت آوردن بیشینه زمین های کشت ور و فراهم سازی بذر و هزینه کشتزارهایی که دارندگان آن، توانمند به برخورداری از آن ها نبودند،⁷² تلاش برای به خدمت گیری تمامی نیروهای کاری بی تجربه و بی مهارت با شعار «گماشتگی کن یا کشت ورزی»، بازسازی مسیرهای گذر و راه ها و پل ها و نیز پشتیبانی از کشاورزی و تلاش برای جلوگیری از بی استفاده ماندن زمین های کشاورزی، کردارهایی بودند که می توانست به ناخشنودی های ملت ایران (چه زرتشتی و چه غیر زرتشتی) و تابعه های آن

⁷¹ - تاریخ الرسل و الملوك، 177، 178. تاریخ بلعمی، 854، 855، 909 و 910.

⁷² - تاریخ بلعمی، 854.

کشور پایان دهد. نیک رفتاری های گزارش شده از خسرو انوشیروان در برابر مسیحیان، یاد بدرفتاری های گذشته را کم رنگ ساخته بود. او آن ها را در جایگاه های دولتی استخدام می کرد و به ایشان، پروانه برپایی یک انجمن را داد.⁷³ وی برای آوارگان نبرد انتاکیه، شهری در ایران ساخت و شهروندان خاک دشمن را به آن فرستاد.⁷⁴ او همچنین، از دانشمندان پناهنده شده آتنی روم خاوری پذیرایی کرد و به آن ها سامان داد.⁷⁵

در کنار مطالب یادشده، بایستی اشاره کرد که در روزگار ساسانی، دانش آموختن برای همگان آزاد بوده است، چنانکه مستوفی، یکی از قانون های نوشته شده در زمانه انوشیروان را «آموختن دانش در هر شرایطی» دانسته است.⁷⁶ آزاد بودن دانش در ایران ساسانی را می توان از پذیرش «حارث بن

⁷³ - ایران در زمان ساسانیان، 304. نظری وجود دارد دال بر اینکه، مزدک نه خواهان شراکت مال و زن، بلکه خواستار برخورداری همگانی از این دو بوده است. دو موردی که در این نظر، در انحصار بزرگان پنداشت می شود. در پاسخ این نگرش، یادآوری دو مطلب بایسته است. یکی آنکه اگر این نگرش درست بود و مزدک گرایش های اشتراکی خواهانه نداشت، ما نبایستی با موضوع سرپرستی کودکان بی هویت از سوی انوشیروان روبرو می شدیم و دوم اینکه، اصولا تصاحب بیشینه زنان و کم آمدن آن ها برای عوام، در محیط های کوچک و روستایی و نهایتا، یک شهر ممکن است. نه برای یک امپراتوری بزرگ با جمعیتی چند میلیون تنی که بیشینه شمار بزرگان می توانسته ده هزار باشد و در نتیجه بیشینه زنان در اختیار آنان نیز یک تا دو میلیون.

⁷⁴ - تاریخ الرسل و الملوك، 178 و 179. تاریخ یعقوبی، 203. مجمل التواریخ، 76.

⁷⁵ - ایران در زمان ساسانیان، 306.

⁷⁶ - تاریخ گزیده، 119.

فروپاشی ساسانیان از نگاهی دیگر

کله» اهل طائف در بخش پزشکی گندی شاپور و درس آموزی وی در آنجا به
روشنی یافت.⁷⁷

⁷⁷ - مختصر تاریخ الدول، 123.

صدور ناخودآگاه اندیشه:

پیش آمدن ماجرای کمک خواهی اعراب یمن و تصمیم دربار ایران به پیشنهاد موبد موبدان پیرامون فرستادن زندانیان محکوم به مرگ به جای به خطر انداختن جان سربازان ارتش، یافتن 800 تن مرگ ارزان در زندان ها،⁷⁸ فرستاده شدن این زندانیان که تبری آن ها را سپاهی از دیلم دانسته⁷⁹ به فرماندهی سرداری به نام «وهرز» با هشت کشتی به سوی یمن که شش شمار آن به مقصد رسید، پیروزی بر حبشیان،⁸⁰ و کشته شدن «ابرهه» سرشناس در این نبرد بدست ایرانیان مرگ ارزان⁸¹ رخدادهای پیاپی سپسین بودند. ما می دانیم که دستگیری های انجام گرفته شده از مزدکیان در بخش خاوری میانرودان (حادر یا جازر تا نهروان)⁸² و در نزدیکی تیسپون بوده است. زندانیان یادشده نیز از تیسپون گردآوری شدند.

⁷⁸ - تاریخ الرسل و الملوك، 190-192. تاریخ بلعمی، 899.

⁷⁹ - تاریخ الرسل و الملوك، 179.

⁸⁰ - همان، 188. تاریخ بلعمی، 903 و 904 و غیره.

⁸¹ - تاریخ یعقوبی، همان، 204.

⁸² - مروج الذهب، همان، 258. شاهنامه ثعالبی، 291.

نزدیکی مختصات بوم نگارانه(جغرافیایی)، پافشاری روحانی کشور پیرامون بهره گیری از زندانیان «مرگ ارزان» به جای سربازان در نبرد یمن و نیز همزمانی دو رخداد رویارویی با هواداران مزدک و فرستاده شدن این زندانیان به یمن در کنار مدارک دیگر که در پس این مطالب می آیند، ما را مطمئن می سازند که زندانیان محکوم به مرگ، کسانی جز دستگیرشدگان مزدکی نبوده اند. تصمیم خسرو پیرامون پرداختن به رفتار انجام پادافره به میزان آسیب وارده از سوی هر تبهکار(مزدکی)، به روشنی از به زندان افتادن گروهی از آن ها آگاهی می دهد.⁸³ رایزن خسرو انوشیروان(از میان مهبود، مهابود، نرسی و یا سیمه برزین یک تن بوده است)،⁸⁴ با فرستادن این افراد، تلاش داشت ایران را از تاثیر آنان بدور نگاه دارد، اما در واقع، او ناخواسته با این کردار خود، اندیشه مزدکی را به برون از مرزهای ایران برونش داد. با پیروزی دگراندیشان ایرانی در یمن و پایدار شدن جایگاهشان در آنجا، آنان فرصت بازسازی بزرگی را یافتند. آن هم در شرایطی که به گونه همراهی، از سوی «یوستینیانوس»، امپراتور روم خاوری در زمان انوشیروان، بسیاری از پیروان مکتب زندیق(مانی گرایی و مزدکیان)، به مرگ محکوم شده بودند و بدین گونه، در هیچ یک از دو قدرت روزگار، پناهگاهی نمی توانستند بیابند.⁸⁵

⁸³ - تاریخ جنبش مزدکیان، 311.

⁸⁴ - مجمل التواریخ و القصص، 96.

⁸⁵ - تاریخ الرسل و الملوك، 175. تاریخ جنبش مزدکیان، 304.

همراستا با این رخدادها، بازماندگان مزدکی، به رهبری «خُرمک»، همسر مزدک، در «ری» پنهانی به ترویج اندیشه های اشتراکی می پرداختند.⁸⁶



تصویر خسرو انوشیروان در میدان گاه نبرد وهرز و سپاه مرگ ارزان ها با حبشیان در یمن.

⁸⁶ - سیر المولک (سیاست نامه)، 274.

آغاز دسیسه:

با درگذشت خسرو یکم و روی کار آمدن «هرمزد چهارم»، فاصله میان فرمانروا و روحانیان بیش از پیش شد. گزارش ها از این دشمنی ها فراوان است.⁸⁷ اینکه وی در برابر درخواست روحانیان پیرامون سخت گرفتن بر مسیحیان و یهودیان و بیرون راندن آنان از کشور، پاسخ می دهد که «پادشاهی بزرگ را از مخالف چاره نیست» و «باید با این جماعت راه صلح و صفا و مهر و وفا را پیش گرفت و طوری رفتار نمود که تحت تاثیر محبت و لطف شما قرار گیرند و به کیش و آیینتان در آیند»⁸⁸ یکی از جالب توجه ترین باورهای فراتر از روزگار خود را نمایش می دهد. هرمزد ستیز با روحانیان را تا بدان جا پیش برد که از اجرای فرمان های آنان را در کشور جلوگیری کرد⁸⁹ و نزدیک به سیزده هزار تن از روحانیان و هواداران شان را کشت⁹⁰ که همین کار، باعث کینه ورزی آنان شد.⁹¹

⁸⁷ - تاریخ الرسل و الملوك، 211. مروج الذهب، همان، 265. تاریخ گردیزی، 89.

⁸⁸ - تاریخ الرسل و الملوك، 213. تاریخ بلعمی، 935.

⁸⁹ - مروج الذهب، همان. تاریخ گردیزی، همان.

⁹⁰ - تاریخ الرسل و الملوك، همان. تاریخ بلعمی، همان. مجمل التواریخ و القصص، همان. مروج الذهب، همان. تاریخ گردیزی، همان.

⁹¹ - گردیزی، همان.

فروپاشی ساسانیان از نگاهی دیگر

کشتن «زردهشت» موبدان موبد کشور،⁹² «بهرام آذر مهان» و «ایزد گشنسپ» یا «بهرام گشنسپ»⁹³ دو تن از برجسته ترین کشته شدگان روحانی زمانه انوشیروان⁹⁴، و نیز «برزمهر» و «ماه آذر» دبیر، رخدادهایی بودند که در درگیرهای دین و دربار بدست هرمزد روی داد. «ایزد گشنسپ»، پدر «بهرام مهران» فرمانده ارتش خاوری هرمزد بود.⁹⁵



چهره هرمزد چهارم که با
روحانیان و نیز خویشاوند گرای
به شدت مخالف بود.

⁹² - شاهنامه فردوسی، بخش هرمزد.

⁹³ - تاریخ الرسل و الملوك، 214.

⁹⁴ - شاهنامه فردوسی، همان. مجمل التواریخ و القصص، همان.

⁹⁵ - مجمل التواریخ و القصص، همان.

رویدادهای سپسین که درگیری های میان بهرام مهران، هرمزد چهارم و «خسرو دوم» یا «خسرو پرویز» بودند، تاثیر چندانی بر گفتمان کنونی ندارد. اینکه بهرام زاییده ری بوده⁹⁶ و بدین گونه پس از اهانت هرمزد به وی در ماجراهای پس از جنگ بلخ و نیز کشته شدن پدرش، تحت تاثیر مزدکیان قرار گرفته، احتمالی است که نمی توان درباره آن با روشنی سخن گفت و بنابراین آن را در اینجا رها و گفتمان را از آغاز فرمانروایی خسرو پرویز و کشته شدن بهرام دنبال می کنیم.

خسرو پرویز (دوم) که پیش تر با کمک امپراتوری روم خاوری به قدرت رسیده بود⁹⁷، در پی تحولات فرمانروایی یادشده، به آن اعلان جنگ داده و سپاه غرب با یاری احتمالی سپاه جنوب ایران، تا پشت دروازه های تختگاه رومیان، کنستانتینپل پیش رفته است. رخدادها از سال 602 م. تا سال 626 م. به سود ایران است. مصر دگربار بخشی از ایران شده و تمامی آسیای کوچک، به ایران بازگشته است. اما از این نقطه تاریخی است که معادلات یکی پس از دیگری به گونه ای متفاوت حل می شوند.

⁹⁶ - تاریخ الرسل و الملوك، همان. التنبيه و الاشراف، 97. تاریخ یعقوبی، همان، 205. تاریخ بلعمی، 938.

⁹⁷ - شاهنامه فردوسی، بخش های نامه فرستادن خسرو پرویز به قیصر روم و پاسخ نامه خسرو از قیصر. تاریخ یعقوبی، همان، 208. مجمل التواریخ و القصص، 76. شاهنامه ثعالبی، 321 و 322.

در سال 602 م، خسرو دوم در اوج پیوندهای دوستانه با مسیحیان، با بهانه کین خواهی خون «موریس»، پدر زن خود و امپراتور روم خاوری از جانشین غصبی وی، «فوکاس» و به احتمال فراوان، با هدف درونی بازپس گیری مرزهای پیشین فرمانروایی گذشته ایران، که از زمان شاپور دوم برآن پافشاری می شد⁹⁸ یورش تمام عیار را به رومیان آورد. در این سلسله یورش ها، سه سردار ارتش ساسانی، در سه جهت به قلمرو روم یورش بردند؛ «رمیوزان» که سوریه و اورشلیم را گرفت و چوب چلیپای آن شهر را به تیسپون فرستاد (613 م. به گزارش تبری⁹⁹ و 614 م. به گزارش ابن عبری¹⁰⁰، شاهین فرمانده اصلی سپاه باختری که مصر و اسکندریه و نوبیه (اتیوپی) را گرفت (617 م. برپایه دو گزارش)¹⁰¹، فرخان شهربراز که تا پشت کنستانتینپل پیش رفت¹⁰² که در همان سال رخ داد¹⁰³ گاه تصرف مصر را بدست شهربراز و پیشروی در آسیای کوچک را از سوی شاهین عنوان کرده اند. این پیروزی ها باعث شادی مردم

⁹⁸ - ایران در زمان ساسانیان، 173.

⁹⁹ - تاریخ الرسل و الملوك، 224-225.

¹⁰⁰ - مختصر تاریخ الدول، 123.

¹⁰¹ - تاریخ الرسل و الملوك، 225. مختصر تاریخ الدول، 123.

¹⁰² - تاریخ الرسل و الملوك، 224-225.

¹⁰³ - مختصر تاریخ الدول، 123.

مکه¹⁰⁴ به ویژه گروه قریش شده بود، تا بدان جا که در برابر دگرانیشان شهر، از این رخدادهای، با عنوان «پیروزی برادران پارسی ما» یاد می کردند.¹⁰⁵

از این نقطه تاریخی است که رویدادهای پشت پرده، یکی پس از دیگری رخ می دهند تا در کنار زنجیره ای از اشتباهات دستگاه حکومتی تیسپون، آینده را به گونه ای دیگر برگردانند. «هراکلیوس»، والی رومی، فوکاس را کشت و برجای او نشست (618 م.). درخواست آتش بس وی از سوی خسرو رد شد.¹⁰⁶ در سال 618 م.، در برابر شادمانی های حاکمان و گروه هایی از مگیان، در میان مخالفان آنان، وعده پیروزی نزدیک رومیان در گذر سه تا هفت سال داده شد تا پشتیبانان روم، نا امید نشوند. میان «ابی بن خلف» که هوادار ایران بود و «ابوبکر»، بر سر این آینده نگری با محوریت 9 سال، پیمانی بسته شد.¹⁰⁷ گویی که مخالفان قریش، از رخدادهایی آگاهی داشته اند. هراکلیوس در راستای

¹⁰⁴- تاریخ الرسل و الملوك، 227-228. تاریخ بلعمی، 953-954.

¹⁰⁵- تاریخ الرسل و الملوك، 228.

¹⁰⁶- مختصر تاریخ الدول، 122.

¹⁰⁷- تاریخ بلعمی، 954. در سوره روم قرآن، درباره این رخداد چنین آمده است: «1- ا ل م. 2- رومیان مغلوب شدند. 3- در جنگی که در نزدیکی ارض واقع شد و آن ها پس از مغلوب شدنشان، به زودی (بر پارسیان) غلبه خواهند کرد. 4- در چند سال (سه تا هفت یا نه) همه کارها از آن خدا است، چه قبل و چه بعد. و در آن روز مؤمنان خوشحال خواهند شد.»

نجات روم خاوری، تمامی کوشش خود را بکار برد و توانست محاصره تختگاه روم را بشکند. از این تاریخ است که درگیری های خسرو با فرماندهان آغاز می شود. خسرو، شاهین را تهدید و برکنار می کند،¹⁰⁸ از شهربراز می خواهد تا سر رمیوزان را برای او بفرستد، زیرا در حالت مستی، سخن از نشستن بر تخت شاهی کرده بود. شهربراز از این کار خودداری کرده و پس از نامه نگاری هایی بدون نتیجه با دربار ایران، رو به دربار هراکلیوس می آورد و با او پنهانی پیمان همکاری و دوستی می بندد.¹⁰⁹ به این پیمان، در شاهنامه فردوسی نیز اشاره شده است.¹¹⁰ در پی این پیمان، شهربراز به هراکلیوس اجازه گذر از راه آذربایجان و نهروان را می دهد.¹¹¹ بدین روی، امپراتور با کشتی های بسیار، دریای سیاه و سپاه ایران در آسیای میانه را دور زد و سر از کوه های ارمنستان در آورد.¹¹² و این گونه، در سال ششم هجری (627 م.)، سپاهی از روم خاوری، با بزرگی هفتاد هزار تن، از راه شیز و نهروان به سوی دستگرد (جایگاه خسرو در نزدیکی تیسپون) رهسپار شد؛ لشگریان «راهواز» را که از سوی خسرو فرستاده شده بودند، نابود کرد، آتشکده آذرگشنسپ را ویران ساخت و به

¹⁰⁸- تاریخ الرسل و الملوك، 226.

¹⁰⁹- تاریخ الرسل و الملوك، 229-230.

¹¹⁰- شاهنامه، بخش در بیداد کردن خسرو ناسپاسی سپاه او.

¹¹¹- مروج الذهب، همان، 272.

¹¹²- تاریخ الرسل و الملوك، 226.

فروپاشی ساسانیان از نگاهی دیگر

دستگرد رسید، بی آنکه کوچکترین پایداری نظامی دربرابرش دیده شود. خسرو پیش از تصرف دستگرد، به تیسپون گریخته بود.¹¹³



چهره خسرو پرویز در پایان زندگانی (بالا سمت راست)، سکه اش (بالا سمت چپ) و جوانی (پایین)¹¹⁴

¹¹³ - تاریخ الرسل و الملوك، 226-227.

¹¹⁴ - برای ملاحظه رفرنس این عکس، ر.ک به بخش کتاب نامه.

با توجه به ادامه حکومت خسرو در تیسپون و نبود گزارشی پیرامون یورش و حضور رومیان در میانرودان ایران و نیز حضور هراکلیوس در همان سال در کنستانتینپل، در می یابیم که سپاه روم، پس از غارت دستگرد، پس نشینی تندی کرده است. احتمالاً، ترس و هراس رومیان از بودن در دل سرزمین دشمن و ناکامی آنان در کشتن خسرو، ایشان را برآن داشت تا از همان راهی که شهربراز برایشان باز ساخته بود، بازگردند. به گزارش شاهنامه فردوسی، گویا داستان از این قرار بوده است که خسرو از خیانت شهربراز آگاه شده بود و علت آن، بایستی، توجه نکردن شهربراز به فراخوان خسرو به وی برای پشتیبانی از تیسپون بوده باشد.¹¹⁵ آنچه تبری به آن اشاره کرده است.¹¹⁶ از این رو، در نامه ای فریب دهنده که به نام شهربراز نوشته، اما به سوی هراکلیوس فرستاده بود، از سردار خود برای فریب دادن و کشاندن امپراتور به درون خاک ایران به منظور کشتن وی سپاسگزاری کرده بود. از این رو، رومیان به تندی بازگشتند.¹¹⁷ قابل توجه است که تمام این رخدادها در زمانی روی می دادند که سپاه ایران مصر، سوریه، کنعان و آسیای کوچک را تا نزدیکی های کنستانتینپل در دست داشت!!

¹¹⁵ - شاهنامه فردوسی، بخش برگشتن لشکریان از خسرو.

¹¹⁶ - تاریخ الرسل و الملوك، 227.

¹¹⁷ - شاهنامه فردوسی، همان.

ناکامی هراکلیوس در انجام پیمان خود با شهربراز، موجب رخ دادن زنجیره رخدادهای جداگانه سپسین شد. ماجرای درگیری خسرو با اعراب «بنی شیبان» رخ می دهد. قبیله ای که گرایش به حاکمیت و اندیشه مدینه داشتند.¹¹⁸ شیرویه، فرزند خسرو، علت رخداد این جنگ را هوسرانی خسرو در خواستن دختر فرماندار حیره دانسته است،¹¹⁹ اما خسرو آن را تنها در راستای پاسداری از کشور و جلوگیری از خطر خواند.¹²⁰ هرچه شده باشد، نکته مهم آن است که نعمان (فرماندار حیره از سوی ایران) زنان ایرانی را «ماده گاوانی» خواند که درخور فرمانروای ایران می باشند و زنان بزرگ زاده عرب، به کار وی نمی آیند.¹²¹ سرانجام، لشگری ایرانی - عرب از سوی خسرو به نبرد با قبیله بنی شیبان که به پشتیبانی نعمان برخواسته بودند، رفت و شکست خورد. مدینه از این پیروزی بسیار شاد شد.¹²² به این هنگام، درون زندان های خسرو، سی و شش هزار¹²³ و یا سی هزار¹²⁴ تن به سر می بردند. اما بلعمی شمار آنان

¹¹⁸ - تاریخ بلعمی، 977.

¹¹⁹ - همان، 996.

¹²⁰ - همان، 1005.

^{۱۲۱} - همان، 965-966.

¹²² - همان، 979. مروج الذهب، همان، 272. مجمل التواریخ و القصص، 81.

¹²³ - تاریخ الرسل و الملوك، 234.

را بیست هزار تن نوشته است.¹²⁵ به گفته خسرو، اینان کسانی بودند که باعث بی نتیجه شدن جنگ های او با روم شده بودند.¹²⁶ اینکه تا چه میزان درون آن ها، دگرانیشان نیز حضور داشته اند، از رخدادهای سپسین در می یابیم. سپس «زادان فرخ»، کارگزار زندان ها، که از زمان پیمان بستن شهربراز با هراکلیوس، با سردار یادشده، همداستان شده بود،¹²⁷ از فرمان خسرو پیرامون از میان بردن همه زندانیان سرپیچی کرد¹²⁸ و یکی از فرماندهان نظامی به نام «تخوار» را فرستاد تا شیرویه، فرزند نیمه رومی خسرو را از کاخی که در آن به علت رفتارهای ناهنجارش زندانی شده بود، آزاد سازد.¹²⁹ در یک سخن، کودتایی یک شبه رخ می دهد و در گذر آن، خسرو دستگیر و شیرویه به فرمانروایی رسانیده می شود. تمامی زندانیان شهر دربند خسرو در «بهر سیر» (مجموعه ای از دگرانیشان که بیشینه آنان در آن دوره، مزدکی بوده اند)، که شمارشان در تاریخ بلعمی، بیست هزار و در مجمل التواریخ، سی هزار تن (در

¹²⁴ - مجمل التواریخ و القصص، همان.

¹²⁵ - تاریخ بلعمی، 990.

¹²⁶ - مجمل التواریخ و القصص، همان. تاریخ بلعمی، 1001.

¹²⁷ - شاهنامه فردوسی، همان.

¹²⁸ - تاریخ الرسل و الملوك، 224. تاریخ بلعمی، 985.

¹²⁹ - شاهنامه فردوسی، بخش کشتن شیرین مریم را. تاریخ الرسل و الملوك، 234. تاریخ بلعمی، 990-991. مجمل التواریخ و القصص، همان.

تبری، سی و شش هزار تن بود) نوشته شده است، آزاد می شوند (خسرو از این رخداد با نام رها کردن اوباش بزه کار در جامعه یاد کرده) و در بامداد روز سپسین، خسرو در باغ کاخ خود بازداشت و علیرغم درخواست سران شورشی (شماری از سرهنگان ارتش و زندانیان آزادشده) پیرامون کشتن او، شیرویه سه روز از همه همراهان خود زمان خواست و پس از سه روز، خسرو را به خانه یکی از سرهنگان شورشی، به نام «ماراسفند» جابجا کرد.¹³⁰ شاید قصد شیرویه از این کار، نجات پدر بوده باشد، چنانکه به او گفت که:

«اگر حجتی داری بگوی تا من ایشان را بگویم تا از کشتن برهی.»¹³¹

اما نکته ارزشمند در این جا، درون مایه پرسش های شیرویه است. فرزند به قدرت رسیده، پدر را برای گردآوری و انباشت مال در گنجینه کشوری، نکوهش می کند و موضوع زنان را پیش می کشد.¹³² دو گفتمانی که یاد مزدک را باز می گرداند. شیرویه همچنین، به راه اندازی نبرد ذوقار با اعراب بنی شیبان را نکوهش می کند.¹³³ گفته ای که می تواند روشن گر اندیشه و وابستگی دسته

¹³⁰ - تاریخ الرسل و الملوك، 237 و 244. تاریخ بلعمی، 993 و 1001. مجمل التواریخ و القصص، همان.

¹³¹ - تاریخ بلعمی، 996.

¹³² - تاریخ الرسل و الملوك، 238. تاریخ بلعمی، 994-995.

¹³³ - تاریخ بلعمی، 995-996.

پشتیبانان او و دیگر شورشیان باشد. خسرو نیز در مهمترین پاسخ خود در میان دیگر مطالب، به وی می گوید که دست به پخش ثروت درون گنجینه نزنند که ورشکستگی و سست شدن کشور و ارتش و در نتیجه یورش بیگانگان را در پی خواهد داشت¹³⁴ و خسرو همچنین، پیشبینی می کند که در پس او، بیگانگان بر سر کار خواهند آمد.¹³⁵

سرانجام، با پافشاری اطرافیان شیرویه، و بیان این موضوع که هوادارن خسرو در میان مردم بیشتر از دسته نو پا است،¹³⁶ خسرو کشته شد که شادی اهل مدینه را به همراه داشت. در این هنگام وزیر شیرویه، «برمک» نیای برمکیان (وزیران مزدکی مسلک به دوران خلافت عباسیان) بر سرکار می آید،¹³⁷ موردی که نشانی دیگر را درباره هویت کودتاگران نمایش می دهد.

خالی کردن ثروت های موجود در خزانه به میزان برابر و برداشت سامانه مالیات گیری کردارهای سپسین بودند که شیرویه انجام داد. وی همچنین دو گماشته خسرو به مدینه را که در سال 627 م.¹³⁸ برای کند و کاو پیرامون مسائل این

¹³⁴ - تاریخ بلعمی، 1001-1002.

¹³⁵ - تاریخ بلعمی، 998.

¹³⁶ - تاریخ بلعمی، 1006.

¹³⁷ - مجمل التواریخ و القصص، 96.

¹³⁸ - تاریخ گزیده، 123.

شهر فرستاده شده و شش ماه در مقصد معطل شده بودند را برگرداند. در مدینه در پاسخ به درخواست های آنان، پیوسته امروز و فردا می کردند تا آنکه شش ماه گذشت و خسرو کشته شد.¹³⁹ «باذان»، فرماندار ایرانی یمن و همه ایرانیان این سرزمین (نوادگان مزدکیان گذشته) نیز از ایران جدا و پشتیبان مدینه شدند.¹⁴⁰ کردارهای شیرویه موجب آن شد تا مردم ایران، وی را ستمگر بخوانند.¹⁴¹ موردی که می تواند نشان دهنده ناخشنودی ایرانیان از برهم خوردن سامانه پیشین باشد.

رخدادهای سپسین، مرگ شیرویه، روی کار آمدن شهربراز (هم پیمان روم خاوری) در پس کشتن پسر خردسال شیرویه، و آمدن و رفتن های پیایی این و آن بود که از آنان، تنها کردارهای کوتاه مدت «پوران دخت» ارزشمندی داشت. با روی کار آمدن یزدگرد سوم و پشتیبانی «رستم فرخ زاد» از وی، دگربار دست دگرانیشان از دربار ایران کوتاه شد. از این رو، بایستی جنبشی دیگر آغاز می گشت. جنبشی که یورش اعراب را در پی داشت. سپاه باختری ارتش ایران در نبرد «قادسیه» نابود شد. نبردی که گروهی از مردم دیلم، از این سو، به آن

¹³⁹- تاریخ بلعمی، 983-981، 1011-1009. مجمل التواریخ و القصص، 82.

¹⁴⁰- تاریخ بلعمی، 1012.

¹⁴¹- مروج الذهب، همان، 274.

سوی پیکارگاه رفتند و در برابر ایران جنگیدند.¹⁴² شوند و دلیل این کار را می می توان از دیدن رواج بالای مزدکی گرایی در دوران سپسین در دیلم دریافت.¹⁴³ همچنین دیلمی بودن تیره «وهرز» و دیگر «مرگ ارزانان» ایرانی فرستاده شده به یمن را نیز نباید فراموش کرد که پیشتر گفته شد. آشنایی شگفت انگیز یورش بران به جایگاه های راهبردی نظامی ایران که چیزی جز ستون پنجم درون کشوری (مزدکیان درون ایران) نمیتوانسته در اختیار فرماندهان مهاجم قرار داده باشد را به روشنی می توان از نگاه کردن به اسناد دریافت. یک نمونه از آن که جزئیات بخشی از خاک میانرودان ایران را شرح می دهد، چنین است:

«عبدالله از عم خود و او از سیف..... روایت نمود که میگویند: وقتی ابوبکر خالد را به فرماندهی مجاهدین عراق اختیار نمود به او نوشت که از ناحیه سفلا ... به آن سرزمین حمله ور شود و به عیاض...نوشت که از جانب شمال ناحیه علیا ...سرازیر شود.»¹⁴⁴

¹⁴² - تاریخ تبری، ج 5، 1741-1742.

¹⁴³ - الفهرست، 611-612.

¹⁴⁴ - تاریخ الرسل و الملوك، 267-268.

فروپاشی:

این گونه میانرودان به سادگی سقوط کرد. سرزمینی که همواره رومیان در چیرگی بر آن در برابر ایران مشکل داشتند و کراسوس، گالریوس، یولیوس و هراکلیوس در آن به سیه روزی افتادند، به آسانی از دست سپاه باختری برون شد. چگونه و با کدام نیرو؟ پاسخ آن، در از یاد نبردن بیست هزار تا سی و شش هزار زندانی دگراندیش آزاد شده در هنگامه شیرویه نهفته است. و با توجه به این مورد که هنگامی که یزدگرد به سوی خاور رفت و به مرو رسید تا پس از نابودی سپاه باختری، فرماندهی سپاه خاوری را بر دوش گیرد، در آنجا هیچ سپاهی وجود نداشت، گویا آن را هدفمند پراکنده بودند. در مرو کسی جز «ماهویه سوری» از یزدگرد استقبال نکرد، کسی که او را کشت و تا چندین سال پس از فروپاشی ساسانیان از سوی دستگاه سیاسی نوین، بر جای خود گماشته ماند. نخست تیسپون که به یاری «سلمان» و فرماندهی «سعد» گشوده شده بود،¹⁴⁵ و سپس «کوفه» کانون اداره سرزمین های ایرانی شد. باورهای اشتراکی خواهانه در فرماندهان مهاجم بسیار نیرومند بود. این را می توان در گفته های «خالد بن ولید»، دشمن روزهای پیشین دین اسلام دید:

¹⁴⁵- همان، 365-368.

«[در ماجرای اشغال حیره] خالد به [اهل حیره] گفت: من شما را به [اشاره به باورهای خود] میخوانم، پس هرگاه بپذیرید، آنچه ما داریم، خواهید داشت. و آنچه بر شما است، بر ما خواهد بود.»¹⁴⁶

بدین روی ایران شکست خورد، شکستی برنامه ریزی شده، دو سپاهش که در برابر ترکان خاوری و رومیان باختری سال ها ایستادگی کردند و بارها آنان را درهم شکستند، در زمانی بسیار کوتاه و با پرداخت کمترین هزینه از میان رفتند و استقلال دیرین زمانش همراه ثروت و داشته هایش غارت شد. اما سرنوشت پایانی مزدکیان در هنگامه نو چه شد؟ با ماندگاری حکومت شام و فرمانروای سنگدل آن «معاویه»، که سپس ها بر تمامی متصرفات بدست آمده فرمان راند، اندیشه های اشتراکی خواهی حکومتی فرونشانیده شد. و شیوه حکومت «ابوسفیان» مکی بازگشت. حکومتی پر زرق و برق و منحصر در دست شماری ثروتمند که دیگران را از برخورداری از مال و رفاه دور می داشتند، به عبارت بهتر، حاکمیت تمامیت خواهان وجود نداشت. پیشتر و در زمانیکه معاویه جایی برای باورهای اشتراکی خواهان وجود نداشت. پیشتر و در زمانیکه معاویه تنها فرماندار شام به شمار می آمد، این «ابوذر» بود که در خیابان های دمشق و مدینه راه می رفت و از ثروت اندوزی به شدت خرده گیری می کند و کاخ سازی معاویه با پول شخصی اش را اسراف و با پول دیگران، خیانت می خواند. درپی گله های معاویه به عثمان، خلیفه مدینه وی را از گفتن گفتارهایی که

¹⁴⁶- همان، 265.

باعث شوراندن تنگدستان شود، خودداری کند. اما ابوذر در پاسخ گفت که تا زمانی که ثروت های همه مردم تقسیم نشود، دست از مبارزه بر نمی دارد.¹⁴⁷ بدین گونه، مزدکیانی که به امید دست یافتن به قدرت، استقلال کشور خود را نابود ساختند، خود نیز نتوانستند بر خوان نعمت برجای بمانند و آن را به تشنگان پول پرست بیگانه پیشکش کردند. و تلاش های ناکام آنان که یکبار دیگر به دوران برمکیان در زمان عباسیان آغاز شد، در پایان، در هنگامه خلافت «هارون» عباسی ریشه کن گشت.¹⁴⁸

نکته پایانی، آسایش و وضعیت اقتصادی مردمان ایران و نیز سرزمین هایی که پیش تر در اختیار روم خاوری بود، است. آنچه پس برچیده شدن دو قدرت باستانی چنان آشفته و برهم ریخته شد که دیگر آن آسایش و زندگانی طبیعی در میان مردمان شکست خورده دیده نشد. فزون بر یاری های دولتی انوشیروانی که در اوج اقتدار اقتصادی و ثروت مندی ایران روی دادند، یادآوری این نکته ارزشمند است که در هنگامه آخرین سال فرمانروایی «یزدگرد سوم» (اوج هرج و مرج ایران)، درآمد روزانه یک آسیابان، تنها 4 درهم بوده است. به دیگر سخن، فردی با پیشه یادشده، در آن روزگار سخت توانمند بود تا با دست

¹⁴⁷- از مزدک تا بعد، 24.

¹⁴⁸- مروج الذهب، ج 2، 370-387. تاریخ یعقوبی، ج 2، 432 و 441 و 442.

فروپاشی ساسانیان از نگاهی دیگر

یابی به 4 سکه سیمین، زندگی روزمره خود را سپری نماید.¹⁴⁹ اما اوضاع اقتصادی مردمان عادی در روزگار فرمانروایی اعراب در دمشق، تا به آن اندازه پریشان شد که برای داد و ستدها، به ناچار وزن درهم ها را می کشیدند تا کالا خریداری کنند.¹⁵⁰ آنچه ما را به یاد وضعیت حکومت وایمار پس از جنگ نخست جهانی می اندازد.



چهره یزدگرد سوم جوان بر روی
سکه اش.

در یک نگاه، فروپاشی ساسانیان، در زمانه ای روی داد که نه روحانیان بر سر کار بودند و نه مردم از روزگار بد اقتصادی و طبقه بندی های بازدارنده رنج می بردند. بلکه عامل اصلی، باور به «اندیشه و آرمان جهان وطنی و اشتراکی خواهی» بود.

¹⁴⁹ - شاهنامه ثعالبی، 362. مختصر تاریخ الدول، 142.

¹⁵⁰ - سکه های ایران از آغاز تا دوران زندیه، 137.

فروپاشی ساسانیان از نگاهی دیگر



کاخ سفید (؟) شهر تیسفون؛ جایگاه فرجامین دستگاه سیاسی ایران ساسانی

فروپاشی ساسانیان از نگاهی دیگر

پیوست 1: چکیده رخدادهای سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیکی در روزگار ساسانی

زمان	درآمد مالی برجسته	بازبینی در سامانه های حکومتی	گرایش دربار به کیش محوری	رخداد یک جنبش
اردوان پنجم	غرامت جنگی از روم	-	-	قیام زرتشتی - زروانی اردشیر
اردشیر یکم (بابکان)	-	در سامانه های آموزشی و استخدامی دولتی، پشتیبانی از کشاورزی	+	-
شاپور یکم	غرامت جنگی از روم، تولیدات کشاورزی و صنعتی	در کشاورزی	-	مانی گرایی
حد فاصل میان شاپور یکم و شاپور دوم	-	-	+ (در روزگار قدرت کرتیر) - (در روزگار نرسی)	مانی گرایی، قیام ایدئولوژیک نرسی
شاپور دوم	غرامت جنگی،	؟	+	شکست دادن به پا خیزی و یورش یولیانیوس مهر

کیش و کیش میتراگرایی در روم، افزایش پیروان مسیحیت				
درگیری با مسیحیان	+ (در روزگار برخی از شاهان) - (در روزگار گروه دیگری از شاهان که یا به طرز عجیبی درگذشتند و یا برکنار شدند)	؟	-	حداصل میان شاپور دوم و قباد یکم
پیدایش مزدک گرایی در ایران و شمال شبه جزیره عربستان	-	مزدک گرایی (اشتراک در همه دارایی ها و زنان)	- (مشکلات برآمده از خشکسالی دوران پیروز یکم)	قباد یکم
رشد دانشگاه گندی شاپور، سست شدن سازمان مندی مزدک گرایی در ایران و شبه جزیره عربستان، رشد مزدک	-	بازنگری در سامانه های مالیات گیری، کشاورزی، آموزشی، ارتش و خدمات اجتماعی	غرامت های جنگی، سامانه مالی کارآمد، کشاورزی، صنعت، تجارت	خسرو یکم (انوشیروان)

فروپاشی ساسانیان از نگاهی دیگر

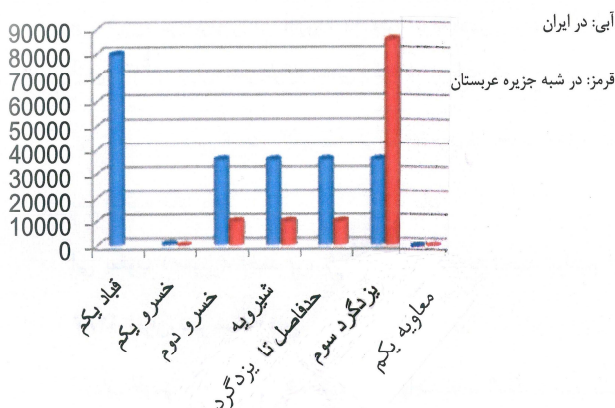
گرایی در یمن				
درگیری با روحانیان و بهرام مهران	-	-	غرامت جنگی، سودبری از بازبینی های اقتصادی خسرو یکم	هرمزد چهارم
رشد مزدک گرایی در ایران (پنهانی) و شبه جزیره عربستان، سقوط به دست پسرش با پشتیبانی هواداران مزدک گرایی و سپهبد شهروراز	-	-	غنائم جنگی، سودبری از بازبینی های اقتصادی خسرو یکم -	خسرو دوم (پرویز)
درگیری های حکومتی میان هواداران دربار پیشین و مزدکیان	-	مزدک گرایی (اشتراک در دارایی ها و ثروت های حکومتی)	-	شیرویه
درگیری های حکومتی میان هواداران دربار	-	- (اندک تلاش های پوران	-	حد فاصل میان شیرویه و

یزدگرد سوم		دخت)		و شهروراز
یزدگرد سوم	-	-	-	جنبش بزرگ نظامی- جاسوسی مزدکیان و اعراب بر ضد فرمانروایی ساسانی
حد فاصل میان یزدگرد سوم و معاویه یکم	غنائم جنگی	سامانه اشتراک برابر در دارایی ها (تا پایان خلافت عمر) کنار زدن سامانه یادشده به دوران عثمان بن عفان	+	به پا خیزی های مردمی در شهرها و مقاومت بازماندگان دودمان ساسانی ¹⁵¹
معاویه یکم	دست یابی به دارایی های همه سرزمین های تصرف شده	از میان بردن سامانه اشتراکی خواهی به طور کامل	+	-

¹⁵¹ - تاریخ تبری، 400 و 405.

فروپاشی ساسانیان از نگاهی دیگر

پیوست ۲: شمار مزدکیان و متحدانشان



قباد یکم: دستکم ۸۰۰۰۰ تن در ایران (برپایه شمار کشته شدگان مزدکی)، در شبه جزیره عربستان: نامشخص

خسرو یکم: ۸۰۰ تن در ایران (برپایه شمار فرستاده شدگان به یمن)، در شبه جزیره عربستان: نامشخص

خسرو دوم، شیرویه، حنفاصل تا یزدگرد سوم و یزدگرد سوم: ۳۶۰۰۰ تن در ایران (برپایه شمار زندانیان دگر اندیش رها شده از زندان های خسرو)، در شبه جزیره عربستان: همه موارد به جز روزگار یزدگرد سوم: ۱۰۰۰۰ تن (برپایه متحدان در مدینه)، یزدگرد سوم: ۸۶۰۰۰ تن (برپایه شمار مهاجمان در نبرد قادسیه)^{۱۵۲}

معاویه یکم: نابودی مزدکیان

^{۱۵۲} - مروج الذهب، ج ۱، ۶۶۹

کتاب نامه:

ابن بلخی، فارسنامه، به اهتمام گای لسترنج و آلن نیکلسون، 1363، تهران، نشر دنیای کتاب، چاپ دوم.

ابن خلدون، عبدالرحمن، تاریخ، چاپ قاهره، ج 2.

ابن عبری، غریغوریوس بن هارون، مختصر تاریخ الدول، ترجمه عبدالمحمد آیتی، 1377، تهران، نشر شرکت علمی و فرهنگی، چاپ یکم.

ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، ترجمه محمدرضا تجدد، 1381، تهران، نشر اساتیر، چاپ یکم.

ابی یعقوب (یعقوبی)، احمد بن، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، 1387، تهران، نشر شرکت علمی و فرهنگی، چاپ دهم.

اسحاق طوسی، ابوعلی حسن پسر علی (خواجه نظام الملک)، سیر الملوک (سیاست نامه)، بازنشاسی، نقد و تحلیل، ویرایش متن، توضیحات و فهرست ها بدست محمد استعلامی، نشر زوار، 1385، تهران، چاپ یکم.

اسماعیل پور، ابوالقاسم، استوره آفرینش در آیین مانی، 1387، تهران، نشر کاروان، چاپ یکم.

اصفهانی، رضا، ایران از زرتشت تا قیام های ایرانی، 1366، تهران، نشر الهام، چاپ یکم.

فروپاشی ساسانیان از نگاهی دیگر

اکبرزاده، داریوش، کتیبه های پهلوی اشکانی (پارتی)، دفتر دوم، 1382، تهران، نشر پازینه، چاپ یکم.

اکبرزاده، داریوش، سنگ نبشته های کرتیر موبدان موبد، 1385، تهران، نشر پازینه، چاپ یکم.

اوستا، کهن ترین سرودهای ایرانیان، ترجمه دوستخواه، جلیل، 1379، تهران، نشر مروارید، چاپ پنجم.

بلعمی، ابوعلی، تاریخ بلعمی، محمد بن جریر تبری، ترجمه، تصحیح ملک شعرای بهار و محمد پروین گنابادی، 1386، تهران، نشر هرمس، چاپ یکم.

بیرونی، ابوریحان، آثار الباقیه، ترجمه اکبر دانا سرشت، 1352، تهران، نشر ابن سینا، چاپ یکم.

تبری، محمد بن جریر، تاریخ الرسل و الملوک (بخش تاریخ ایران از آغاز تا سال 31 هجری)، ترجمه صادق نشأت، 1384، تهران، نشر شرکت علمی و فرهنگی، چاپ دوم.

تبری، محمد بن جریر، تاریخ تبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، 1362، تهران، نشر اساتیر، چاپ دوم.

فروپاشی ساسانیان از نگاهی دیگر

ثعالبی، ابومنصور، عبدالملک بن محمد، شاهنامه ثعالبی، ترجمه محمود هدایت، 1385، تهران، نشر اساتیر، چاپ یکم.

دادگی، فرنبر، بن دهش، ترجمه مهرداد بهار، 1380، تهران، نشر توس، چاپ دوم.
رئیس نیا، رحیم، از مزدک تا بعد، 1358، تهران، نشر پیام، چاپ یکم.

سرفراز، علی اکبر؛ آورزمانی، فریدون، سکه های ایران از آغاز تا دوران زندیه، 1389، تهران، چاپ هشتم.

عریان، سعید، راهنمای کتنبه های ایرانی میانه پهلوی - پارتی، 1389، تهران، نشر سازمان میراث فرهنگی کشور، یکم.

فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، بر اساس شاهنامه چاپ مسکو، 1381، تهران، نشر پیمان، چاپ دوم.

کریستین سن، آرتور امانوئل، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، 1380، تهران، نشر صدای معاصر، چاپ دوم.

کلیم، اوتاکار، تاریخ جنبش مزدکیان، ترجمه جهانگیر فکری ارشاد، 1386، تهران، نشر توس، چاپ دوم.

گردیزی، ابوسعید عبدالحیّ ابن ضحاک ابن محمود، تاریخ، 1363، نشر دنیای کتاب، چاپ یکم.

فروپاشی ساسانیان از نگاهی دیگر

مجله التواریخ و القصص، ترجمه ملک الشعراء بهار، 1383، تهران، نشر دنیای کتاب، چاپ یکم.

مستوفی قزوینی، حمدالله، تاریخ گزیده، به کوشش عبدالحسین نوایی، 1364، تهران، نشر امیرکبیر، چاپ سوم.

مسعودی، ابوالحسن، التنبيه و الاشراف، ترجمه ابوالقاسم پاینده، 1386، تهران، نشر علمی و فرهنگی، چاپ سوم.

مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، 1365، تهران، نشر علمی و فرهنگی، چاپ سوم.

مقدسی، مطهر بن طاهر، آفرینش و تاریخ، ج 3، ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی، 1349، تهران، نشر بنیاد فرهنگ ایران، چاپ یکم.

رفرنس عکس جوانی خسرو پرویز:

کتاب The history of the world; a survey of a man's record (۱۹۰۲)، نوشته Helholt, Hans F. در سایت:

<http://www.archive.org/stream/historyofworldsu۰۳helm#page/n۳۴۳/mode/۲up>

از همین نویسنده:

زادسال سپیتمان؛ پژوهشی نو درباره زمان زندگانی زرتشت برپایه دانش زیست شناسی: 1387، نشر آشیانه کتاب، چاپ اول، 1389، چاپ دوم.

ریشه های دموکراسی و مجلس در ایران باستان، 1391، نشر فروهر.

کی گشتاسپ در روزگار نوسنگی؛ زمان دودمان کیانی برپایه محاسبات نجومی، اقلیم شناسی و بررسی اسناد تاریخی، 1391، نشر آشیانه کتاب.

جمعیت های انسانی (در دو جلد)، 1392، نشر آشیانه کتاب.

در آینده:

نیاکان گمشده (بازنگری در باستان شناسی و دیرینگی تاریخ ایران)

ناگفته هایی از تاریخ ایران باستان.

دانستی های زیستی و پزشکی در نوشته های کلاسیک ایرانی.